

یادداشت سردیر

در تاریخ سرزمین ما، ایران، ادوار و مقاطعی هست که هنوز زوایا و ابعاد مهمی از آنها همچنان در تاریکی و ابهام باقی مانده و آگاهی و دانش ما درباره آنها ناچیز است؛ از جمله دوره موسوم به حمله و اشغال مغولان (ح ۶۵۴ - ۶۱۶ ق) که برغم انجام تتبعات و پژوهشهای گوناگون اجتماعی، سیاسی، ادبی و فرهنگی، دست کم بلحاظ مختصات علمی این دوره - شامل شیوه‌های آموزش، وضعیت مدارس، چگونگی نگارش آثار علمی و ادبی، کتابخانه‌ها و حتی فهرست جامعی از عالمان و دانشمندان - آگاهی ما نسبت به آن اندک است. از جهت داده‌های مربوط به «تاریخ فلسفه» - و در معنای عام آن، علوم عقلی - از نقش کسانی چون خواجه‌نصیرالدین طوسی (۶۷۲ - ۵۹۷ ق) گزارشها و نوشته‌های بسیاری به زبانهای مختلف در دست است، لیکن همچنان ناگفته‌های بسیاری در این زمینه وجود دارد که نیازمند تتبع و پژوهش گسترده‌تری است. اهمیت خواجه نصیر و نقش او در حفظ میراث علمی ایران و اسلام (تأسیس رصدخانه و کتابخانه مراغه، تجمیع آثار علمی از نقاط مختلف، دعوت از عالمان و دانشمندان در زمینه‌های مختلف علمی، نگارش آثاری جاویدان در فلسفه و ریاضی و کلام و هیئت و ...) تنها بخشی از خدمات علمی این چهره بزرگ تاریخ ماست؛ ابتکار و نوآوریهای او در دانشهای عصر - بویژه فلسفه و کلام - آنها در زمانه وحشت و ناامنی ناشی از حمله مغول، نیازمند بازخوانی و معرفی جدید است.

۱۵

توجه کنیم! رام کردن و انقیاد قومی که از دانش و فرهنگ و زندگی شهری و آداب تمدنی دور بودند، در دشتهای و بروی پشت اسبها پرورش یافته و از هجوم و غارت و آتش زدن خانه و کاشانه مردمان لذت میبردند، کار آسانی نبود؛ آنها برای دانشمندی که میبایست از سویی در قلاع اسماعیلی دست به نگارش اخلاق ناصری زده و برخی ماجراجوییها و رفتارهای افراطی سران اسماعیلی را مهار کند و از سویی دیگر، در دربار هلاکوخان مغول، ضمن تمشیت و تدبیر امور، به اصلاح و آبادانی و انتشار علوم اهتمام



DOR: 20.1001.1.20089589.1401.12.4.8.4

ورزد و در کنار همه این امور، امنیت نفوس و ذخایر مادی و معنوی دارالاسلام را تأمین کند. هر کدام از اینها بتنهایی برگی درخشان در کارنامه حیات علمی، سیاسی و اجتماعی یک چهره ماندگار بحساب می‌آید.

خدمات خواجه در حوزه علوم عقلی دست کم از دو جهت چشمگیر و بلکه یگانه و بیهمتاست:

۱. آنگونه که در تراجم آمده است، خواجه در عنفوان جوانی، فلسفه را در نیشابور با آثار شیخ‌الرئیس فرا گرفت و تا بدانجا پیش رفت که یکی از معروفترین شروح و تعلیقات را بر اشارات و تنبیهات ابن‌سینا نگاشت که اکنون با گذشت پیش از هفت قرن از زمان نگارش آن، همچنان بعنوان یکی از منابع و مأخذ مهم علوم عقلی و حکمت سینوی بشمار میرود. شرح و تعلیقه خواجه نوشته‌یی همعرض سایر تعلیقات نیست، از این جهت که از یکسو مشکلات و غوامض متن فشرده شیخ‌الرئیس را باز میکند و از سوی دیگر حملات و نقدهای گزنده فخر رازی، بنمایندگی از گروه کثیری از متکلمان متصلب و عقل‌ستیز را پاسخ میدهد؛ آنهم در زمانه‌یی که چراغ حکمت و فلسفه کم‌فروغ یا حتی بی‌فروغ بود و دفاع از عقل و علوم عقلی به قیمت جان آدمی تمام میشد! اهتمام خواجه به علوم عقلی محدود و منحصر به شرح اشارات نیست؛ در سایر نوشته‌های علمی او نیز روش استدلالی و برهانی غلبه یافته و گویی وی خود را مکلف به تجدید حیات فلسفه و روش عقلی در زمانه غربت آن میدانسته است.

۲. اگرچه درباره مذهب کلامی خواجه - آنهم با عنایت به ارتباط وی با اسماعیلیان - اظهار نظرهای مختلفی شده است، لیکن آنچه مسلم است، نگارش اثری مانند تجرید الاعتقاد از یکسو و پرورش دانشمندان و عالمان بزرگی چون علامه حلی و ابن‌میثم بحرانی (شارح نهج‌البلاغه) از سوی دیگر نمیتواند در تعیین سمت و سوی اعتقادی خواجه بی‌اثر باشد؛ گذشته از آن شیوه نگارش و پردازش آراء و عقاید کلامی امامیه در تجرید الاعتقاد و دفاع کم‌نظیر خواجه از عقاید مذهب حقه بروش برهانی و استدلالی، جای هیچگونه تردیدی در تشخیص تعلق خاطر نویسنده باقی نمیگذارد. از اینرو بجزئیّت میتوان گفت خواجه قهرمانی بیدیل و احیاگر سنت فلسفی و حکمی عالم اسلام در قرن هفتم و آموزگاری بزرگ در انتقال آموزه‌های اعتقادی شیعه اثنی عشری است. این معنا در حکم کلیاتی است برای پژوهشهای تفصیلی در تاریخ علوم و دانشهای ایران و عالم اسلام که امید است پژوهشگران جوان با همت خود افقها و داده‌های جدیدی را در این زمینه عرضه بدارند.

سردبیر

